

## تحلیل تبعات اقتصادی - امنیتی تحریم‌های هسته‌ای پیشابرجام در ایران

عبداله قنبرلو\*

### چکیده

تحریم‌های بین‌المللی به ویژه در نوع اقتصادی از متغیرهای مهمی است که می‌تواند تأثیرات چشمگیری بر امنیت ملی دولت‌های هدف بر جای گذارد. این مقاله آسیب‌های اقتصادی-امنیتی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی در جریان مناقشه هسته‌ای منتهی به برجام را در ایران مورد تحلیل قرار می‌دهد. سؤال اصلی مقاله این است که تحریم‌های چندجانبه و یکجانبه بین‌المللی در دوره مناقشه هسته‌ای پیشابرجام چه تبعاتی در اوضاع اقتصادی-امنیتی ایران به جای گذاشتند. در پاسخ، فرضیه مقاله این است که گسترش تحریم‌های بین‌المللی به تبع تطویل مناقشه هسته‌ای از طریق ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی، گسترش فساد اقتصادی، افزایش انزوای بین‌المللی، و تشدید نارضایتی عمومی به اقتصاد و امنیت ملی ایران آسیب زدند. این فرضیه به لحاظ نظری متکی بر این آموزه رئالیستی است که تحریم‌های اقتصادی اگرچه با چارچوب‌های اقتصاد جهانی شده لیبرال مغایرت دارند، اما سلاحی اساسی برای تحکیم نظم بین‌المللی لیبرال به شمار می‌روند. برای مقاله حاضر فرضیه مذکور را به نحو تحلیلی-تبیینی بررسی می‌کند. تلاش خواهد شد از معتبرترین داده‌های موجود استفاده شود.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت ملی، امنیت اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی، مناقشه هسته‌ای، بی‌ثباتی اقتصادی، انزوای بین‌المللی، نارضایتی اجتماعی.

---

\* دانشیار گروه روابط بین‌الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Ghanbarlu.phdirut@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۳

## ۱. مقدمه

امنیت ملی متغیر وابسته‌ای است که تکوین و قوام‌یابی آن در کشورها تابع تحقق متغیرهای مختلفی است. در دوره پیش از عصر جهانی شدن امنیت ملی معمولاً با مفهوم محدود آن به کار گرفته می‌شد که در چارچوب آن فقدان تجاوز خارجی مهمترین ارزش امنیتی تلقی شده و به تبع آن، ارتش مهمترین ابزارهای تأمین امنیت ملی به حساب می‌آمد. اما در دوره اخیر، برداشت‌ها از مفهوم امنیت ملی بسیار موسع شده و موضوعاتی اهمیت یافته‌اند تأثیر آنها بر امن جوامع بسیار عمیق و پیچیده است. بنابراین، صرف داشتن نیروهای مسلح توانمند برای تأمین امنیت کافی نیست. البته پیگیری همزمان ارزش‌های امنیتی ممکن است مسأله‌ساز باشد. برای مثال، تضمین ثبات و رشد پایدار اقتصادی یکی از اساسی‌ترین پایه‌های امنیت ملی در جهان امروز است. اما پیگیری این هدف ممکن است با برخی ارزش‌های امنیتی دیگر مثل استقلال سیاسی در تعارض باشد. در چنین وضعیتی، باید دست به انتخابی بهینه زد که آسیب‌های احتمالی را به حداقل برساند.

تحریم‌های بین‌المللی پدیده‌هایی هستند که به نحوی تعارض فوق‌الذکر را نمایان می‌سازند. بعضی دولت‌ها در تلاش برای دستیابی به ارزش‌های امنیتی مثلاً بازدارندگی نظامی خود را با تحریم‌ها مواجه می‌بینند که اقتصاد ملی آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد. تحریم‌های قدرت‌های غربی علیه ایران طی نمونه جالبی از این وضع هستند. طی چهار دهه اخیر، اقتصاد ایران با مسائل مختلفی مواجه بوده که یکی از ملموس‌ترین آنها تحریم‌های بین‌المللی است. پذیرش تحریم‌ها طبعاً آثار ضدامنیتی خاص خود را داشته‌اند که این مشکل در دوره مناقشه هسته‌ای به اوج رسید. در این چارچوب، سؤال مقاله حاضر مطرح می‌شود: تحریم‌های چندجانبه و یکجانبه بین‌المللی در دوره مناقشه هسته‌ای پیشابرجام چه تبعاتی در اوضاع اقتصادی-امنیتی ایران به جای گذاشتند؟ فرضیه مقاله این است که گسترش تحریم‌های بین‌المللی در نتیجه تطویل مناقشه هسته‌ای از طریق ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی، گسترش فساد اقتصادی، افزایش انزوای بین‌المللی، و تشدید نارضایتی عمومی به امنیت ملی ایران آسیب زدند. مفروضه نظری بحث مقاله این است که تحریم‌های اقتصادی اگرچه با چارچوب‌های اقتصاد جهانی شده لیبرال مغایرت دارند، اما سلاحی قدرتمند و رایج برای حفاظت از نظم بین‌المللی لیبرال در جهان کنونی به شمار می‌روند. این مقاله حاضر فرضیه مذکور را به

روش تحلیلی-تبیینی بررسی می‌کند و در این راستا از معتبرترین داده‌های در دسترس استفاده خواهد کرد.

## ۲. تحریم اقتصادی و آثار ضدامنیتی آن

تحریم‌های بین‌المللی اقداماتی هستند تنبیهی لکن بدون توسل به جنگ که توسط یک یا گروهی از دولت‌ها علیه یک یا گروهی از دولت‌های هدف اتخاذ می‌شوند. هدف از این اقدامات معمولاً ایجاد تغییر در برخی رفتارهای دولت‌های هدف اعلام می‌شود. تحریم اقدامی قهرآمیز است که اعمال آن می‌تواند نشانه ایجاد یا تشدید تخاصم باشد، بدون اینکه به برخورد نظامی حتمی منجر گردد. اگرچه در زمان تحریم هنوز دیپلماسی پایان نیافته، اما دیپلماسی وارد فضایی خصمانه شده و ممکن است نهایتاً به جنگ منتهی گردد. تحریم‌ها اشکال مختلفی دارند از میان آنها نوع نظامی - تسلیحاتی آن بیش از بقیه رایج‌تر است، طوری که حتی در صورت وجود فضای دوستانه میان دولت‌ها نیز جریان دارد. دولت‌ها معمولاً از اعطای برخی سلاح‌ها یا تکنولوژی‌های تسلیحاتی ممتاز حتی به دوستان خویش نیز امتناع می‌کنند. تحریم تسلیحاتی چنانکه در پیمان‌هایی مثل ان‌پی‌تی مشاهده شده، ممکن است به صورت ممنوعیت تولید بعضی سلاح‌ها با وجود در دسترس بودن تکنولوژی آنها باشد. تحریم تسلیحاتی با اینکه می‌تواند در زمان جنگ‌ها آثار ملموسی در نتیجه جنگ ایجاد کند، اما در شرایط عادی اثر مخربی ایجاد نمی‌کند.

در شرایط عادی، دولت‌ها معمولاً به منظور تغییر رفتار رقبا یا دشمنان خویش از تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. بر این اساس، تمرکز بحث مقاله حاضر نیز روی تحریم اقتصادی است. با توجه به نقش اساسی شاخص‌های اقتصادی در رفاه ملی، تحریم اقتصادی می‌تواند آثار مخرب ملموسی در اقتصاد ملی به بار آورده و حتی ثبات سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو، تحریم اقتصادی می‌تواند انگیزه دولت هدف را برای تأمین خواسته دولت تحریم‌گر تحریک کند. در تعاریف تحریم اقتصادی رایج است که گفته می‌شود اقدامی است «به منظور تغییر رفتار دولت هدف». این چیزی است که دولت‌ها تحریم‌کننده در سیاست‌های اعلانی خویش بر آن تأکید می‌کنند. اما نباید از این نکته غافل شد که محدود کردن تحریم به این هدف ممکن است گمراه‌کننده باشد. این احتمال وجود دارد که انگیزه واقعی تحریم‌کننده از تغییر رفتار فراتر رفته و عملاً به نوعی مقدمه‌چینی برای تغییر رژیم تبدیل شود. در هر صورت،

تحریم یک منطق سیاسی دارد که در ساده‌ترین عبارت می‌توان آن را استفاده از «محنت اقتصادی در ازای منفعت سیاسی» بیان کرد (Elliott, 2005: 3-4).

تحریم‌های اقتصادی از دو وجه بر تصمیم‌گیرنده کشور هدف تأثیر می‌گذارند: خساراتی که مستقیماً به آن وارد می‌کنند، و تهدیدات صریح یا ضمنی که به موازات آن خسارات متوجه کشور هدف می‌کنند. نقش تهدیدات ولو ضمنی در به تمکین واداشتن کشور مخاطب بسیار مهم است. بنابراین، دولت‌هایی که در اعمال تحریم از نقش تهدیدکنندگی آن غافل می‌شوند، شانس موفقیت کمتری دارند. تهدید جدی با آسیب تحریمی کمتر نسبت به تهدید صوری با آسیب تحریمی بیشتر کارایی بهتری دارد. مهم است این پیام با دقت و ظرافت منتقل شود که تحریم‌کننده برای ایجاد تغییر در رفتار کشور تحریم‌شونده مصمم است و در این راه برای استفاده از فشارهای بیشتر و مؤثرتر آمادگی دارد. در این راستا، اگر تحریم‌کننده بتواند بسیج بین‌المللی قدرتمندتری ایجاد کند، شانس بالاتری برای موفقیت دارد (Lacy and Niou, February 2004, 26-27). خصوصاً در سده اخیر که نهادهای بین‌المللی توسعه کم‌سابقه‌ای یافته‌اند، اهمیت مجازات‌های بین‌المللی افزایش یافته است.

تحریم‌های اقتصادی به لحاظ نظری بر این اصل متکی‌اند که اصل راهنمای رفتار دولت‌ها منافع ملی آنهاست و این منافع قابل محاسبه‌اند. یعنی دولت‌ها براساس محاسبات عقلانی دست به انتخاب می‌زنند. آنها از میان گزینه‌های گوناگون به انتخاب گزینه‌ای روی می‌آورند که بیشترین منفعت را برایشان به دنبال داشته باشد. در عین حال، تحریم بر این مفروضه متکی است که منافع ملی دولت‌ها در هم تنیده شده و دولت‌ها را به همدیگر وابسته کرده است. البته کم و کیف وابستگی دولت‌ها متفاوت است. دولتی که وابسته‌تر باشد، طبیعتاً در برابر تحریم آسیب‌پذیرتر است. اگر دولت یا دولت‌هایی در پی بازداشتن دولت یا برخی دولت‌های دیگر از رفتار یا سیاست خاصی باشند، تلاش می‌کنند با استفاده از ابزار تحریم آن رفتار یا سیاست را غیرعقلانی جلوه دهند. برای مثال، ممکن است روابط تجاری با دولت مخاطب را قطع کنند تا آن دولت به این جمع‌بندی برسد که زیان ادامه رفتار و رویه سابق بیشتر از منفعت آن است. در چنین شرایطی تحریم بر گزینه‌های طرف‌های تحت تحریم اثر می‌گذارد و آنها را به هماهنگی و همکاری با خواسته‌های تحریم‌کنندگان وامی‌دارد. آنچه در تحریم اقتصادی اهمیت کلیدی دارد، آثار بازدارنده آن است. بر این اساس، معمولاً تحریم‌ها شکل پلکانی دارند، به این معنی که در صورت عدم تأثیرگذاری تشدید می‌شوند. با تشدید

تحریم، زیان‌های رفتار منع شده افزایش می‌یابد و انتظار می‌رود بالاخره در نقطه‌ای اثرگذار باشد (قنبرلو، تابستان ۱۳۹۱: ۹۶).

تحریم اقتصادی موجب افزایش تهدیدات اقتصادی یا به عبارت دیگر کاهش امنیت اقتصادی می‌شود. منظور از تهدیدات اقتصادی، تهدیداتی هستند برآیند ملموس آنها به صورت تورم، رکود، بیکاری، رکود تورمی، و فساد ظاهر شده و موجب بروز مشکلاتی نظیر گسترش فقر و نابرابری اجتماعی می‌شوند. این تهدیدات از چند جهت می‌توانند امنیت ملی کشور را به چالش بکشند:

- تهدیدات اقتصادی می‌توانند استاندارد زندگی مردم را کاهش داده، احساس محرومیت در آنها را بیشتر کرده، و موجب بی‌اعتمادی آنها به دولت و حتی سیستم سیاسی شوند؛
- کاهش استاندارد زندگی و بی‌اعتمادی عمومی می‌تواند زمینه‌ساز مسایلی مثل فرار مغزها، تضعیف روحیه و انسجام ملی، اعتراض، و ناآرامی سیاسی باشد؛
- یکی از عوارض معضلات و ناامنی‌های اقتصادی ایجاد چهره‌ای ناکارآمد از دولت و سیستم سیاسی است که این مسأله می‌تواند بر مشروعیت دولت و حتی سیستم اثر منفی گذاشته و به گسترش نارضایتی عمومی بیانجامد؛
- کاهش استاندارد زندگی و احساس محرومیت می‌تواند مقدمه‌ای برای گسترش ناهنجاری و ناامنی اجتماعی شوند؛
- تهدیدات اقتصادی می‌توانند توانایی دولت در تولید کالای عمومی مهم و بنیادی کشور یعنی دفاع ملی را کاهش داده و موجب تقویت تهدیدات خارجی شوند؛
- مشکلات و آشفتگی‌های اقتصادی توان مقاومت ملی در برابر مداخله‌گری قدرت‌های خارجی را تضعیف کاهش می‌دهد که این بی‌اعتمادی متحدان و دوستان خارجی کشور را به دنبال دارد؛ و
- در نهایت اینکه آسیب‌ها و ناکامی‌های اقتصادی موجب کاهش موقعیت قدرت ملی کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی گشته و احتمال دخالت‌های خارجی را افزایش می‌دهد (قنبرلو، تابستان ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

### ۳. تحریم‌های ناشی از مناقشه هسته‌ای ایران

مسئله اتهام ایران به ساخت سلاح کشتار جمعی مدت‌ها پیش از مناقشه هسته‌ای آغاز شد. از اوایل دهه ۱۹۹۰، دولت آمریکا ضمن متهم‌سازی جمهوری اسلامی به تلاش برای ساخت سلاح‌های کشتار جمعی حرکت‌های تنبیهی محدودی را در واکنش به این مسئله آغاز کردند. اما تحریم‌های اصلی مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران عمدتاً از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ تدوین و به اجرا درآمدند که در سه بخش اساسی قابل طبقه‌بندی هستند: تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های یکجانبه آمریکا، و تحریم‌های یکجانبه اتحادیه اروپا. این تحریم‌ها پس از آن ظهور کردند که مذاکرات هسته‌ای ایران با سه دولت بریتانیا، فرانسه، و آلمان - علی‌رغم پیشرفت‌هایی چون بیانیه سعدآباد (۲۱ اکتبر ۲۰۰۳) و معاهده پاریس (۱۴ نوامبر ۲۰۰۴) - به اختلال انجامید و در سایه سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم فضای متفاوتی بر دیپلماسی هسته‌ای ایران حاکم گردید.

در نخستین قطعنامه شورای امنیت به شماره ۱۶۹۶ مصوب ژوئیه ۲۰۰۶ ضمن ابراز نگرانی از اینکه آژانس بین‌المللی انرژی نتوانسته صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تأیید کند، از این کشور خواسته شد کلیه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری را به حالت تعلیق درآورده و برنامه هسته‌ای‌اش را به نحو کامل تحت نظارت آژانس درآورد. به تبع بی‌اعتنایی ایران به قطعنامه ۱۶۹۶، مذاکرات اعضای شورای امنیت بر سر تحریم ایران طبق ماده ۴۱ منشور ملل متحد آغاز شد که در نتیجه آن چند قطعنامه تحریمی به تصویب رسید. اعضای شورای امنیت طی قطعنامه‌های ۱۷۳۷ مصوب دسامبر ۲۰۰۶، ۱۷۴۷ مصوب مارس ۲۰۰۷، ۱۸۰۳ مصوب مارس ۲۰۰۸، ۱۸۳۵ مصوب سپتامبر ۲۰۰۸، و ۱۹۲۹ مصوب ژوئن ۲۰۱۰ تصمیماتی برای تنبیه ایران اتخاذ کردند که اهم آنها به قرار زیر هستند:

الف. ممنوعیت تأمین، صدور، یا انتقال مستقیم و غیرمستقیم کلیه اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها، و تکنولوژی‌هایی که می‌توانند به نحوی به فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی، بازفرآوری، آب سنگین، و همچنین توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای کمک کنند؛

ب. ممنوعیت تهیه کمک‌های فنی، آموزشی، مالی، سرمایه‌گذاری، دلالی، و خدمات مشابه به ایران در جهت تأمین، خرید، انتقال، ساخت، و یا استفاده از اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها، و تکنولوژی‌های منع شده؛

- ج. ممنوعیت خرید یا تهیه موارد ممنوع شده از ایران توسط کشورهای دیگر؛
- د. فریز شدن سرمایه‌ها و سایر دارایی‌های مالی و منابع اقتصادی افراد و سازمان‌هایی که در فعالیت‌های هسته‌ای غیرمجاز یا توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای ایران دخیل بوده یا به آنها کمک می‌رسانند (نام افراد و سازمان‌های تحریم‌شده به قطعنامه‌ها پیوست شده است)؛
- ه. ممنوعیت ورود یا استفاده ترانزیتی از قلمرو کشورها توسط افرادی که در فعالیت‌های هسته‌ای غیرمجاز یا توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای ایران دخیل بوده یا به آنها کمک می‌رسانند (نام افراد تحریم شده به قطعنامه‌ها پیوست شده است)؛
- و. ممنوعیت تأمین، صدور، یا انتقال مستقیم و غیرمستقیم سلاح‌ها و مواد مرتبط با آنها از ایران به کشورهای دیگر؛
- ز. منع بهره‌برداری ایران از فعالیت‌های تجاری یا سرمایه‌گذارانه مرتبط با استخراج اورانیوم و تولید یا استفاده از برخی مواد و تکنولوژی‌های هسته‌ای شامل فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری اورانیوم، فعالیت‌های آب سنگین، و همچنین ساخت موشک بالستیک قادر به حمل سلاح هسته‌ای در کشورهای دیگر؛
- ح. منع ایران از تأمین، واردات، یا انتقال مستقیم و غیرمستقیم سیستم‌های تسلیحاتی عمده شامل تانک‌های جنگی، وسایل نقلیه جنگی زرهی، سیستم‌های توپخانه‌ای با کالیبر بزرگ، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، کشتی‌های جنگی، موشک‌ها یا سیستم‌های موشکی متعارف و همچنین اقلام و قطعات یدکی مربوط به آنها؛
- ط. منع ایران از انجام فعالیت‌های مربوط به موشک بالستیک دارای قابلیت حمل سلاح هسته‌ای از جمله پرتاب آزمایشی آن و همچنین منع دولت‌ها از ارسال هرگونه تکنولوژی یا کمک فنی به ایران در این مورد؛ و
- ی. ممنوعیت دولت‌ها از ارائه خدمات مالی به اشخاصی که دور زدن تحریم‌های ایران را تسهیل می‌کنند (رک: Arms Control Association, August 6, 2015).
- در کنار تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا تحریم‌های بیشتری را به نحو یکجانبه علیه ایران تحمیل کردند. وزارت خزانه‌داری آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۶ یعنی در شرایطی که ایران طی ژوئیه گذشته با قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت مواجه شده بود، بانک صادرات ایران را به بهانه همکاری با حزب‌الله لبنان از دسترسی به سیستم مالی آمریکا منع کرد که در سال‌های بعد بانک‌های ایرانی دیگر نیز مشمول چنین محدودیت‌هایی شدند. آمریکایی‌ها در همین ماه قانون تحریم

ایران و لیبی (ایلسا) را به قانون تحریم ایران (ایسا) تغییر نام داده و مجازات‌های آن را تا پایان سال ۲۰۱۱ تمدید کردند. فشارهای پراکنده آمریکا به موازات قطعنامه‌های شورای امنیت با همکاری اروپایی‌ها همراه بود. اتحادیه اروپا در فوریه ۲۰۰۷ محدودیت‌های تجاری و مسافرتی علیه ایران برقرار کرد که هدف اساسی‌اش تبعیت این کشور از قطعنامه‌های شورای امنیت بود. پیش از آن، قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در دسامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسیده بود که ضمن درخواست از ایران برای همکاری جدی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تحریم‌هایی را به شکل منع صادرات کالاهای و خدمات مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای غیرمجاز و توسعه سیستم‌های پرتاب سلاح هسته‌ای به ایران، منع واردات مواد و تجهیزات مرتبط با برنامه هسته‌ای از ایران، و فریز کردن دارایی برخی اشخاص مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران برقرار می‌کرد. طبق تصمیم فوریه ۲۰۰۷، اتحادیه اروپا تقریباً همان تحریم‌های شورای امنیت را با چارچوب جدید و محدودیت‌های بیشتری از جمله به شکل منع مسافرت برخی اتباع ایران به کشورهای عضو اتحادیه مورد برقرار می‌کرد. حدود دو ماه بعد، اتحادیه اروپا تصمیم تحریمی دیگری را در آوریل ۲۰۰۷ اتخاذ کرد که توسعه توانمندی‌های نظامی ایران را هدف قرار می‌داد. این اتحادیه همچنین در آگوست ۲۰۰۸ لیست افراد و سازمان‌های تحت تحریم در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران را که با فریز دارایی و منع سفر مواجه بودند، گسترش داد.

در عمل، مجموع تحریم‌هایی که از طرف شورای امنیت سازمان ملل، آمریکا، و اتحادیه اروپا تا ژوئن ۲۰۱۰ علیه ایران برقرار شدند، علی‌رغم آثار مخربشان، موجب توقف فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران نشدند. دولت جمهوری اسلامی پس از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در ژوئن ۲۰۱۰، طی بیانیه‌ای که از سوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی منتشر شد، ضمن تأکید بر اینکه این قطعنامه را غیرقانونی و فاقد اعتبار می‌داند، خواستار اقدامات جبرانی سریع شورای امنیت در این زمینه شده و تصریح کرد که در برابر هرگونه اقدام علیه منافع خود اقدام متقابل نشان خواهد داد. واکنش منفی ایران از یک سو، و محدودیت‌های پیش روی غرب جهت تصویب تحریم‌ها و اقدامات بیشتر توسط شورای امنیت از سوی دیگر، سبب شدند روند جدیدی از تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اروپا آغاز گردد که آثار به مراتب مخرب‌تری بر اقتصاد و امنیت ایران به جا گذاشتند.



در ژوئیه ۲۰۱۰، ایالات متحده و اتحادیه اروپا دو اقدام اساسی انجام دادند. رئیس‌جمهور آمریکا در ابتدای این ماه «قانون جامع تحریم‌ها، پاسخگویی و منع سرمایه‌گذاری ایران» را که در ژوئن گذشته به تصویب کنگره رسیده بود، امضا کرد. طبق این قانون تحریم‌های ۱۹۹۶ ایسا گسترش یافتند، به نحوی که افراد و شرکت‌ها در داخل و خارج آمریکا از انواع کمک به بخش نفت ایران منع شدند. محدودیت‌ها بسیار فراتر از سرمایه‌گذاری در بخش نفت رفته و مواردی چون هرگونه کمک مالی یا غیرمالی به واردات منابع نفتی پالایش شده توسط ایران را دربر می‌گرفت. از آنجا که در آن زمان ظرفیت پالایش نفت در ایران برای پاسخ‌گویی به تقاضای داخلی کافی نبود، تصویب این قانون علاوه بر محدودسازی توسعه صنایع پالایش نفت موجب توقف واردات کالاهای مهمی چون بنزین و گازوئیل به کشور می‌شد. در اواخر همین ماه، شورای اتحادیه اروپا نیز رژیم جدیدی از تحریم‌های اقتصادی را معرفی کرد که ضمن تأکید بر اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، محدودیت‌های بیشتری از جمله منع کمک به سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز، محدودسازی خدمات مالی، و منع خدمات بیمه‌ای به شرکت‌های ایرانی ایجاد می‌کرد (Katzman, April 14, 2017: 11, ).

۴۸-۵۰). اروپایی‌ها همچنین لیست افراد و شرکت‌های تحت تحریم را نیز گسترش دادند. این اقدامات که حاکی از نوعی هماهنگی بین آمریکا و اروپا بر سر ضرورت مهار ایران بود، از حمایت کشورهای مختلف خصوصاً دوستان و متحدان دولت آمریکا برخوردار بود.

سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ دوره اوج تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اروپا علیه ایران بود. این روند، در نیمه اول سال ۲۰۱۳ به دنبال انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۱۳۹۲ شدت کمتری پیدا کرد. آمریکایی‌ها از ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ در چند نوبت به تحکیم فشارهای تحریمی اقدام کردند که بخش اعظم آنها در واکنش به برنامه هسته‌ای ایران انجام می‌شد. این تحریم‌ها در قالب تصمیمات مختلفی شامل فرمان اجرایی ۱۳۵۹۰ در نوامبر ۲۰۱۱، قرار دادن ایران در لیست کشورهای تحت مجازات طبق قانون میهن‌پرستی آمریکا (بخش ۳۱۱) در نوامبر ۲۰۱۱، قرار دادن ایران تحت شمول مجازات‌های قانون اختیار دفاع ملی (National Defense Authorization Act) برای سال مالی ۲۰۱۲ (بخش ۱۲۴۵) در دسامبر ۲۰۱۱، فرمان اجرایی ۱۳۵۹۹ در فوریه ۲۰۱۲، فرمان اجرایی ۱۳۶۰۶ در آوریل ۲۰۱۲، فرمان اجرایی ۱۳۶۰۸ در می ۲۰۱۲، فرمان اجرایی ۱۳۶۲۲ در ژوئیه ۲۰۱۲، قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه در

آگوست ۲۰۱۲، فرمان اجرایی ۱۳۶۲۸ در اکتبر ۲۰۱۲، قانون آزادی و مقابله با اشاعه ایران در ژانویه ۲۰۱۳، و فرمان اجرایی ۱۳۶۴۵ در ژوئن ۲۰۱۳ تنظیم و به اجرا درآمدند. در چارچوب این تصمیمات، محدودیت‌های سنگینی علیه ایران اعمال شدند که اهم آنها را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

**الف.** صادرات بنزین و فرآورده‌های پالایشی به ایران با محدودیت مواجه شد و کشورها ملزم شدند از هرگونه کمک فنی یا تجهیزاتی به این کشور جهت تأمین بنزین و فرآورده‌های پالایشی مورد نیاز خویش خودداری کنند؛

**ب.** بخش‌های انرژی و پتروشیمی ایران با تحریم‌های بی‌سابقه‌ای مواجه شدند. قرار شد کلیه اشخاصی که به تهیه کالاها، خدمات، و تکنولوژی‌های مورد نیاز بخش‌های انرژی و پتروشیمی ایران کمک کرده یا به نحو دیگری مثل خدمات حمل و نقل و بازاریابی در خدمت حفظ یا توسعه این بخش‌های اقتصاد ایران قرار بگیرند، در معرض مجازات قرار گیرند. حتی سرمایه‌گذاری مشترک با ایران برای توسعه منابع نفتی در خارج از این کشور نیز ممنوع گردید؛

**ج.** فعالیت‌های کشتی‌رانی و کشتی‌سازی ایران هدف تحریم قرار گرفتند. هرگونه کمک به این بخش از جمله انعقاد یا تمدید قراردادهای بیمه‌ای ممنوع شدند؛

**د.** واردات نفت خام، میعانات گازی، و فرآورده‌های نفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران توسط شرکت‌های آمریکایی یا غیرآمریکایی به شدت محدود گردید. کشورهای واردکننده نفت ایران در صورتی می‌توانستند به واردات نفت از این کشور ادامه دهند که میزان واردات را به نحو قابل ملاحظه‌ای کاهش داده باشند؛

**ه.** نهادهای مالی خارجی از ارائه خدمت یا کمک به اشخاصی که به نحوی در خدمت ایران برای پیشبرد سیاست‌های موسوم به «توسعه سلاح‌های کشتار جمعی» و «حمایت از تروریسم» قرار می‌گیرند، منع شدند. خزانه‌داری آمریکا این اختیار را پیدا کرد که چنین نهادهایی را تحت مجازات قرار دهد؛

**و.** بخش مالی ایران از جمله بانک مرکزی و بانک‌های خصوصی این کشور به بهانه شراکت در فعالیت‌های مالی غیرمجاز و پولشویانه ایران نه تنها از دسترسی به شبکه مالی آمریکا محروم شدند، بلکه ارتباطاتشان با نهادهای مالی غیرآمریکایی نیز شدیداً محدود گردید. همچنین، خدمات پیام‌رسانی مالی به بانک‌های ایرانی ممنوع گردید. این تحریم ارتباطات تجاری ایران را نیز مشکل و محدود می‌کرد؛

ز. کل دارایی دولت و نهادهای مالی ایران در آمریکا بلوکه شدند. نه تنها تراکنش‌های دلاری نهادهای مالی ایران در آمریکا متوقف شد، بلکه دسترسی این نهادها به اموال بلوکه شده‌ای که به صورت دلاری در بانک‌های خارجی موجودند، با مانع مواجه گردید؛

ح. مالکیت دولت ایران بر درآمدهای ناشی از صادرات نفت نمی‌تواند توجیه‌کننده تسهیل انتقال درآمدهای پولی نفت از طریق شبکه بانکی به ایران شود. بنابراین، چنین درآمدهایی غیرقابل انتقال می‌شوند. حتی تسویه بدهی‌ها از طریق این درآمدها و یا مبادله نفت با دیگر کالاها نیز محدود و مشروط گردید. تأمین اسکناس دلار یا فلزات گرانبها برای دولت ایران نیز نوعی نقض تحریم قلمداد شد. در این راستا، خرید و فروش و یا کمک به تجارت فلزات گرانبها با ایران ممنوع اعلام شد؛

ط. کمک به صنایع خودروسازی ایران شامل تأمین کالاها، خدمات، و تکنولوژی‌های مورد نیاز این صنایع یا تسهیل نقل و انتقالات مالی آنها هدف تحریم قرار گرفت؛  
ی. با تحریم واحد پولی ایران، داد و ستد به ریال برای شهروندان و شرکت‌های آمریکایی غیرممکن شد. قرار شد اتباع آمریکایی که عامدانه در معاملات مهم از ریال ایران استفاده کرده یا به حفظ حساب‌های ریالی در خارج از ایران اقدام کنند، مجازات شوند؛ و

ک. تدابیر سختگیرانه‌ای برای اشخاص حقیقی یا حقوقی ناقض یا دورزننده تحریم‌های ایران خصوصاً تسهیل مبادلات مالی، فروش، و حمل و نقل نفت و فرآورده های نفتی ایران اتخاذ شد. از جمله، دولت آمریکا این اختیار را یافت که از روابط تجاری این اشخاص با اتباع ایالات متحده جلوگیری کند. قرار شد در صورت تخطی شعبه‌های شرکت‌ها از قوانین تحریم، شرکت‌های مادر در معرض مجازات قرار گیرند (Samore et al, June 2015: 10-11, 30-36).

کشورهای مختلفی در اقصی نقاط جهان خواسته یا ناخواسته با تحریم‌های آمریکا علیه ایران هماهنگ شدند. برخی دولت‌های دوست و متحد آمریکا در این زمینه فعال‌تر ظاهر شده و مستقلانه مقرراتی جهت تحریم ایران وضع کردند. اتحادیه اروپا در این زمینه پیشگام بود. اروپایی‌ها در حالی اقدام به وضع تحریم‌های اقتصادی گسترده علیه ایران کردند که در مقایسه با آمریکا بده-بستان‌های اقتصادی زیادی با این کشور داشتند. به عنوان مثال، تا پیش از تحریم نفتی سال ۲۰۱۲، یونان ۳۴,۲، اسپانیا ۱۴,۹، و ایتالیا ۱۲,۴ درصد از نفت وارداتی خویش را از ایران تأمین می‌کردند. اما این سازمان تأکید

داشت که از طریق تحریم تلاش دارد ایران را متقاعد کند که به تعهدات بین‌المللی خویش تن داده و توسعه برنامه‌های هسته‌ای و موشکی خوش را محدود سازد (Esfandiary, December 2013: 7-8). البته تحریم‌های ثانویه آمریکا - که ضرورت رعایت تحریم را از اتباع خود فراتر برده و به اتباع سایر کشورهای جهان تسری می‌دهد - به نحوی گسترده و فراگیر بود که تبعیت از آنها گسست بزرگی در روابط اقتصادی ایران و اروپا ایجاد می‌کرد. اما اتحادیه اروپا به دلایلی مصمم بود به موازات آمریکا در اعمال فشار بر ایران فعال عمل کند. اعضای این سازمان قبلاً تصمیماتی را با هدف اجرای دقیق‌تر و مؤثرتر قطعنامه‌های شورای امنیت اتخاذ کرده بودند. آنها همچنین از زمان تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت در ژوئن ۲۰۱۰ تا آغاز سال ۲۰۱۳ در چند نوبت در مورد تحریم ایران تصمیم‌گیری کردند که عمدتاً تحت تأثیر تحریم‌های آمریکا قرار داشت. محدودیت‌های عمده‌ای که در چارچوب تصمیمات اتحادیه اروپا علیه ایران طی این دوره برقرار شدند، به قرار زیر هستند:

**الف.** صدور یا انتقال تسلیحات و مواد مرتبط که در خدمت فعالیت‌های هسته‌ای و نظامی غیرمجاز ایران قرار می‌گیرند، ممنوع شد. این محدودیت، انواع کالاهای تجاری با کاربرد دوگانه را نیز دربرمی‌گیرد. به علاوه، ارائه هرگونه کمک مالی، فنی، و آموزشی جهت پیشبرد این گونه فعالیت‌ها نیز ممنوع اعلام گردید؛

**ب.** صدور یا انتقال تجهیزات و تکنولوژی‌های عمده و همچنین ارائه کمک مالی و آموزشی برای حفظ و توسعه صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران ممنوع شد. این تحریم، شرکت‌های ایرانی فعال در خارج از ایران را نیز دربرمی‌گیرد؛

**ج.** واردات، خرید، و حمل و نقل نفت خام و محصولات پتروشیمی ایران ممنوع اعلام شد. در این راستا، قرار شد از تأمین مالی، بیمه، و تمدید بیمه محموله‌های نفت خام ایران جلوگیری شود؛

**د.** واردات، خرید، بازاریابی، و حمل و نقل گاز طبیعی ایران ممنوع گردید؛

**ه.** شرکت‌های ایرانی از دریافت تجهیزات، خدمات مالی، و تکنولوژی لازم برای ساخت، نگهداری، و تعمیر کشتی محروم شدند. همچنین، در برابر ساخت تانکرهای نفت برای ایران محدودیت مشابهی ایجاد شد؛

**و.** انعقاد قرارداد بیمه یا تمدید چنین قراردادهایی برای شرکت‌های متعلق به دولت ایران مگر در موارد خاص ممنوع شد؛

ز. دارایی‌های بانک مرکزی ایران مسدود شده و مبادلات مالی اتحادیه اروپا با شبکه بانکی ایران شدیداً محدود شد. بانک‌های ایرانی تحت تحریم از دریافت خدمات پیام‌رسان مالی و خصوصاً دسترسی به خدمات سوئیفت (جامعه ارتباطات مالی بین‌بانکی در گستره جهانی) (SWIFT) محروم شدند؛

ح. تحریم‌های مالی از بده-بستان‌های پولی فراتر رفت و تجارت طلا، فلزات گرانبها و الماس با بانک‌ها و نهادهای دولتی ایران را نیز دربرگرفت. البته اتحادیه اروپا قید کرد که تحریم‌های مالی و تجاری نباید مانع از دسترسی ایران به نیازهای ضروری مثل مواد غذایی، دارو، و تجهیزات پزشکی شود؛ و

ط. لیست گسترده‌تری از اشخاص حقیقی و حقوقی تنظیم شد که به اتهام دخالت در فعالیت‌های غیرمجاز هسته‌ای، نظامی، و یا حقوق بشری ایران تحت تحریم اتحادیه اروپا قرار داشتند. این اشخاص با مجازات‌هایی شامل فریز دارایی‌ها، منع مبادلات تجاری و مالی، و منع سفر به کشورهای عضو اتحادیه اروپا مواجه بودند (Patterson, (Spring 2013: 135-136).

با نگاهی اجمالی به وضعیت تحریم‌های اعمال شده از سوی شورای امنیت سازمان ملل، ایالات متحده، و اتحادیه اروپا می‌توان به شدت و عمق فشارهای بین‌المللی علیه ایران پی برد. از آنجا که امکان وضع تحریم‌های اقتصادی فراگیر از طریق شورای امنیت میسر نبود، قدرت‌های غربی مصمم شدند از امکانات و توانمندی‌های خویش برای در تنگنا قرار دادن ایران استفاده کنند. بی‌تردید، ایجاد این حجم از فشارهای بین‌المللی با استفاده از طریق ابزار تحریم برای گرفتار و منزوی کردن یک کشور در تاریخ روابط بین‌الملل معاصر روندی نادر است. در همین باره، باراک اوباما طی اظهاراتی در دهمین نشست سالانه مجمع سابان (Saban Forum) به تاریخ هفتم دسامبر ۲۰۱۳ تصریح کرد:

«ما رژیم بی‌سابقه‌ای از تحریم‌ها را برقرار کردیم که اقتصاد ایران را فلج کرده، درآمد نفتی آنها را بیش از نصف کاهش داده، فشار سهمگینی بر پول آنها وارد کرده، و اقتصادشان در سال گذشته بیش از ۵ درصد کوچکتر شده است. و این به وضوح نتیجه تحریم‌های بین‌المللی و ائتلافی است که قادر بود به صورت بین‌المللی ایرانیان را به این نتیجه برساند که ما به مسیر جدیدی برای چگونگی تعامل با جامعه بین‌المللی و چگونگی رسیدگی به این رژیم تحریم‌ها نیاز داریم.» (Obama, December 7, 2013).

با وجود تحریم‌های کم‌سابقه‌ای که از سوی قدرت‌های غربی شکل گرفت، تمایل به ادامه مسیر تحریم همچنان بالا بود. گرایش به گسترش هر چه بیشتر تحریم‌ها تا زمین‌گیر کردن جمهوری اسلامی ادامه داشت و در صورتی که مذاکرات دیپلماتیک به نتیجه لازم نمی‌رسید، ایران با شرایط سخت‌تری درگیر می‌شد. در همان ماه‌های آغازین سال ۲۰۱۳، گروهی از نمایندگان کنگره آمریکا به دنبال طراحی و تصویب مجموعه جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران بودند که بر اساس آن تقریباً هرگونه معامله کشورها با شرکت‌های تحت کنترل دولت ایران مشمول مجازات شده و استفاده ایران از درآمدهای ناشی از صادرات نفت جز برای خرید کالاهای خاص مثل غذا و دارو ممنوع می‌شد. گشایش‌های نوین در مذاکرات هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ که پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران آشکار شد، سبب شد روند گسترش و تعمیق تحریم‌های فلج‌کننده‌ای که به نام فعالیت‌های هسته‌ای ایران جریان داشت، متوقف گردد.

#### ۴. تبعات تحریم‌ها بر امنیت ایران

با نگاه کلی به تحریم‌های فلج‌کننده‌ای که از سوی آمریکا و اروپا در سال‌های بین ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳ برقرار شد، می‌توان دریافت که بنیان‌های استراتژیک اقتصاد ملی ایران شامل بخش انرژی و ارتباطات بانکی و تجاری فراملی هدف اصلی تحریم‌ها قرار داشته‌اند. به عبارت دیگر، هدف اولیه تحریم تغییر رفتار ایران از طریق مانع‌سازی در برابر رشد و ثبات اقتصادی این کشور بود؛ هدفی که در صورت تحقق و تداوم می‌توانست به صورت دومینویی ثبات اجتماعی، سیاسی، و امنیتی کشور را تحت تأثیر قرار دهد.

اینکه تحریم‌ها در عمل چطور و تا چه حد مؤثر واقع شدند، سؤالی است که پاسخ دقیق برای آن بسیار مشکل است. فضای کلی اقتصادی ایران در پی تحریم‌ها برای مدتی به سمت رکود و بی‌ثباتی شدید رفت. اما نقش متغیرهای دیگر مثل برنامه‌های اقتصادی خاص دولت وقت ایران را نمی‌توان نادیده گرفت. با این حال، به نظر می‌رسد نابسامانی‌های اقتصادی که در این برهه از تاریخ جمهوری اسلامی ایران رخ دادند، بیش از هر چیزی محصول تحریم‌هایی بودند که خصوصاً در سال‌های بین ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ برقرار شدند. در عین حال، به نظر می‌رسد سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نه تنها متناسب با واقعیت‌های یک اقتصاد تحریمی تنظیم نشدند، بلکه بعضاً زمینه را برای آثار تخریبی تحریم هموارتر کردند. برای روشن شدن موضوع، لازم

است فرایند عملی تأثیر تحریم بر اقتصاد ایران تبیین گردد. آثار منفی تحریم بر امنیت ایران تحت این چهار مفهوم مورد بحث قرار می‌گیرد: رکود تورمی، انزوای بین‌المللی، فساد اقتصادی، و افول سرمایه اجتماعی.

#### ۴-۱. رکود تورمی

رکود تورمی (stagflation) در یک اقتصاد از بروز هم‌زمان دو مشکل اساسی یعنی نرخ تورم بالا و نرخ رشد پایین اقتصادی حکایت دارد. تا پیش از دهه ۱۹۷۰، تصور عمومی میان اقتصاددانان این بود که بین تورم و رکود یک رابطه الکلنگی وجود دارد که طبق آن درحالی که تورم با رونق و کاهش بیکاری همراه است، رکود به کاهش سطح قیمت‌ها و افزایش بیکاری می‌انجامد. این رابطه، مبنای نظری منحنی فیلیپس را تشکیل می‌داد که در آن رابطه معکوسی بین نرخ تورم و نرخ بیکاری وجود داشت. اتفاقاتی که در دهه ۱۹۷۰ افتاد، به روشنی نشان داد که امکان هم‌زمانی این دو پدیده وجود دارد. در آمریکا، نه تنها تلاش دولت برای کاهش تورم بازمانده از دهه ۱۹۶۰ ناکام ماند، بلکه به تبع جهش شدید در قیمت نفت به تورم بیشتر سوق یافت. آمریکایی‌ها در دهه ۱۹۷۰ با مشکل رکود و بیکاری نیز درگیر شدند، بدون اینکه این مشکل کاهش مطلوبی در سطح قیمت‌ها ایجاد کند (منکیو، ۱۳۸۳: ۳۹۳-۳۸۷). امکان ایجاد رکود تورمی در شرایط مختلفی فراهم می‌گردد. برای مثال، در تورم ناشی از مازاد تقاضا، افزایش تقاضای کل باعث افزایش تقاضا برای عوامل تولید از جمله نیروی کار می‌شود که به تبع آن زمینه برای افزایش قیمت این عوامل فراهم می‌شود. با افزایش بیشتر سطح عمومی قیمت‌ها، قدرت خرید متقاضیان کاهش یافته و به کاهش تولید بنگاه‌ها می‌انجامد. درحالی که رکود و بیکاری شدت می‌یابد، ممکن است قیمت‌ها مقاومت نشان داده و به سطح سابق بازنگردند. از سوی دیگر، در تورم ناشی از افزایش هزینه‌های تولید - که به دلایلی مثل جهش در قیمت انرژی رخ می‌دهد - زمینه مساعدتری برای رکود تورمی مهیا می‌شود، چراکه به تبع افزایش قیمت نهاده‌های تولید و تورم ممکن است تقاضای کل کاهش یافته و به کاهش تولید بیانجامد، بدون اینکه در هزینه تولید کاهش رخ دهد.

یکی از برهه‌هایی که اقتصاد ایران به نحو ملوسی رکود تورمی را تجربه کرد، سال‌های اوج تحریم در اوایل دهه ۱۳۹۰ بود. با نگاهی کلی به وضعیت شاخص‌های اقتصادی کشور در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱ متوجه واقعیت تعمیق کم‌سابقه رکود تورمی به

موازات اوج گیری تحریم‌ها می‌شویم. در این دو سال، رشد اقتصادی کشور به قیمت‌های پایه و ثابت سال ۱۳۸۳ به ترتیب ۶,۸- و ۱,۹- درصد و نرخ بیکاری نیز به ترتیب ۱۲,۱۳ و ۱۰,۴۴ درصد گزارش شده است. در این دوره دوساله همچنین نرخ تورم مصرف‌کننده از ۳۰,۵ به ۳۴,۷ درصد و نرخ تورم تولیدکننده از ۳۲,۴ به ۳۴,۵ درصد افزایش یافتند (بانک داده‌های اقتصادی و مالی، ۱۳۹۵). بی‌تردید، نااطمینانی نسبت به آینده در سایه تحریم‌ها عاملی بود که به نحو قابل توجهی در رشد سریع تقاضای سفته‌بازانه و تشدید مشکلات نقش داشت. از این رو بود که پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و بازگشت نسبی آرامش و اطمینان به فضای اقتصادی کشور با وجود بقای تحریم‌ها تا حدی از شدت التهابات اقتصادی کاسته شد. لازم به تأکید است که تعمیق رکود تورمی در سال‌های آغازین دهه ۱۳۹۰ صرفاً محصول تحریم‌ها نبود. عوامل مختلفی که عمدتاً در چارچوب برنامه‌های اقتصادی دولت وقت قابل تعریفند، در این فرایند دخالت داشتند. اما به نظر می‌رسد انقباض عرضه کل اقتصاد در نتیجه اعمال تحریم‌های اقتصادی نقش تعیین‌کننده‌ای بازی می‌کرد.

محدودیت‌های ایجاد شده در ارتباطات بانکی و صادرات نفت یک اثر مهم داشت و آن افزایش مکرر نرخ ارز بود. ارزش هر ریال ایران به دلار آمریکا از اوایل ۱۳۹۰ تا اوایل ۱۳۹۲ در بازار غیررسمی به کمتر از یک سوم سقوط کرد. در چنین شرایطی، ضمن اینکه جذب سرمایه‌گذاری خارجی با موانع عدیده‌ای روبه‌رو بود، سرمایه‌گذاران داخلی نیز برای تأمین نهاده‌های مورد نیاز خویش خصوصاً نیازهای وارداتی دچار مشکل بودند. خودروسازی یک نمونه از صنایع مهمی است که در پی تحریم با گرفتاری بزرگی مواجه شد، به گونه‌ای که تولیداتش هم از هر دو وجه کمی و کیفی افت کردند و هم به افزایش شدید قیمت کشیده شدند. تلاطم بازار ارز در کنار تحریم‌های بانکی و تجاری از یک سو، با افزایش موانع و هزینه‌های تولید به رکود دامن می‌زدند و از سوی دیگر، جهش‌های تورمی به دنبال داشتند. نااطمینانی به آینده سبب شد بازار بورس کم‌رونق شده و تقاضای سفته‌بازانه برای ارز و طلا گسترش یابد. همین عامل خود به بازتولید تلاطم انجامیده و به تداوم رکود تورمی - که تنزل استاندارد زندگی مردم را در پی داشت - کمک می‌کرد. از اواسط سال ۱۳۹۲ بود که به تبع برخی تغییرات در سیاست‌های اجرایی از جمله آغاز دور جدید



مذاکرات هسته‌ای بازار ارز و در کل فضای اقتصادی کشور به ثبات نسبی میل پیدا کرد.

#### ۴-۲. گسترش فساد

فساد از معضلات جدی در اقتصاد ایران بوده و آنگونه که گزارش‌های سازمان بین‌المللی شفافیت نشان می‌دهند، ایران در زمره کشورهای است که شدت آلودگی به فساد در آن بالا بوده است. بنابر گزارش‌هایی که این سازمان سالانه در مورد رتبه کشورها از نظر شاخص ادراک فساد (CPI) منتشر می‌کند، رتبه ایران با وجود برخی تغییرات همچنان بالاست. در آخرین مورد یعنی در گزارش مربوط به سال ۲۰۱۶ در حالیکه کشورهای دانمارک و فنلاند با کسب نمره ۹۰ مشترکاً رتبه اول سلامت اقتصادی را کسب کردند، ایران با نمره ۲۹ در رتبه ۱۳۱ کشورهای جهان قرار داشت. در گذشته، دولت ایران برای مدتی مبارزه موفقیت‌آمیزی با فساد انجام داد، به نحوی که در سال ۲۰۰۳ ایران به رتبه ۷۸ جهان رسید. اما مجدداً اوضاع به وخامت گرایید تا جایی که در سال ۲۰۰۹ حایز رتبه ۱۶۸ جهان گردید. در دو سال بعد، وضعیت ادراک فساد ایران با تغییر نزولی به رتبه ۱۴۶ در ۲۰۱۰ و ۱۲۰ در ۲۰۱۱ مقداری بهبود یافت. اما سپس در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب با تغییر رتبه‌ها به ۱۳۳ و ۱۴۴ سیر صعودی پیدا کرد. مجدداً شاهدیم که رتبه ایران در سال ۲۰۱۴ به ۱۳۶ و سپس در سال ۲۰۱۵ به ۱۳۰ باز می‌گردد (Transparency International, 2016). چنانکه ملاحظه می‌شود، جایگاه بین‌المللی ایران از نظر مبارزه با فساد و ایجاد اقتصادی سالم علی‌رغم برخی نوسان‌ها در مجموع مطلوب نبوده است. گزارش‌ها و رتبه‌بندی‌های سازمان بین‌المللی شفافیت همچنین نشان می‌دهند که کشورهای در حال توسعه آسیب‌پذیری بیشتری از حیث آلودگی به فساد دارند.

یکی از مهم‌ترین دلایل فساد در کشورهای در حال توسعه و به طور خاص در ایران دخالت گسترده و در عین حال غیردموکراتیک دولت در اقتصاد است. علل و عوامل جزئی‌تر مثل ابهام در قوانین و ضوابط، مقررات دشوار و دست و پاگیر، و اجرای ضعیف و ناقص قوانین باز به نحوی ریشه در ورود گسترده و نامطلوب دولت در اقتصاد دارند. وجود قوانین مبهم و ناکارا خصوصاً قوانین مرتبط با مالکیت و کسب و کارها از یک سو، و اهمال در اجرا یا نظارت بر اجرای قوانین از سوی دیگر، حفره‌هایی را در بخش عمومی ایجاد می‌کنند که ممکن است افراد یا گروه‌هایی از آنها

به منظور کسب منافع شخصی بهره‌برداری کنند. اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته به اشکال مختلف با این مشکلات درگیر بوده است. در آغاز تشکیل جمهوری اسلامی، سیستم اقتصادی و سیاسی کشور قانون اساسی به نحوی تعریف شد که زمینه را برای دخالت شدید دولت در اقتصاد و رانتی کردن ساختار آن مساعد کرد. متعاقباً، وقوع رویدادهایی مثل جنگ ایران و عراق و تحریم‌های فزاینده بین‌المللی سبب شدند فضا برای ورود بیش از حد دولت در اقتصاد کشور تسهیل شود.

تحریم عاملی است که می‌تواند در وخامت وضعیت فساد در کشور بسیار اثرگذار باشد. این فرضیه در تجربه کشورهای مختلف تأیید شده است. در جریان مناقشه هسته‌ای ایران، تحریم‌ها از دو مسیر به افزایش سطح فساد کمک کردند. از یک سو، با تسهیل دخالت بیشتر دولت در اقتصاد به بازار ضربه زدند، و از سوی دیگر، با موجه جلوه دادن قانون‌شکنی و پنهان‌کاری زمینه مناسبی را برای سوء استفاده عناصر فرصت‌طلب فراهم کردند. واکنش اولیه دولت به اعمال هر تحریم عبارت بود از تلاش برای یافتن راه‌هایی جهت دور زدن آن تحریم که در چنین فضایی فعالیت‌های دلالتی جذابیت کم‌نظیری پیدا می‌کرد. برای دور زدن تحریم‌گریزی از دخالت بیشتر و در عین حال غیرمعمول دولت در اقتصاد وجود ندارد. با توجه به اینکه به مرور زمان تحریم‌ها در حال گسترش بودند و آثارشان در زندگی عموم ملموس‌تر می‌شد، تلاش‌ها و تدابیر دولت برای دور زدن آنها نیز افزایش داشت. مخرب‌ترین جنبه قضیه این بود که فضای تحریم به اقدامات غیرشفاف و قانون‌شکنانه دولت مشروعیت می‌بخشید. در چنین اوضاع و احوالی، زمینه برای ریشه دوانیدن حرکت‌های سوء استفاده‌جویانه نظیر آنچه در ماجرای فساد نفتی تشکیلات بابک زنجانی یا گم شدن کل نفتی اتفاق افتاد، مهیا گردید. تحریم، نه تنها به توانمندی و ثبات اقتصادی کشور ضربه می‌زد، بلکه سلامت آن را نیز بیش از پیش در معرض خطر قرار می‌داد.

#### ۴-۳. انزوای بین‌المللی

انزوای ایران در عرصه بین‌المللی یک مسأله کاملاً تحمیل شده از خارج نیست، بلکه تا حدی ریشه در فرهنگ استراتژیک ایرانیان دارد. ایران در منطقه‌ای واقع شده که هم به لحاظ مذهبی و قومی در اقلیت است، و هم به دلایل مختلف مورد توجه و دخالت قدرت‌های خارجی قرار داشته است. تا پیش از انقلاب اسلامی، دولت‌های حاکم معمولاً تلاش داشتند تا از طریق همکاری با برخی قدرت‌های خارجی بر چالش‌های

امنیتی کشور غلبه کنند. اما در عین حال، تمایل به استقلال و خوداتکایی نیز در میان ایرانیان بالا بوده است. این تمایل، پس از انقلاب اسلامی در سطح حکومتی به اوج رسید. سیستم جمهوری اسلامی برای تحکیم ثبات و امنیت ملی کشور بیش از پیش بر توانمندی‌های داخلی تأکید کرده و در این راه حتی هزینه تقابل با قدرت‌های خارجی را نیز پذیرفته است. از این رو، جمهوری اسلامی علی‌رغم میل باطنی به انزوای بین‌المللی تن داده که البته شدت آن در دوره‌های مختلف متفاوت بوده است. نشانه‌های انزوا به خصوص در شرایط اضطراری مثل جنگ ایران و عراق و بحران فعالیت‌های هسته‌ای ایران ملموس‌تر بوده است. ایران در برابر فشارهای قدرت‌های بزرگ عمدتاً با دکترین مقاومت موضع گرفته که نتیجه‌اش تداوم سیاست منزوی‌سازی ایران از سوی آنها بوده است (← Eisenstadt, November 2015).

برای به انزوا کشاندن یک کشور در صحنه بین‌المللی ابزارهای مختلفی قابل استفاده‌اند که تحریم اقتصادی یکی از مهمترین آنهاست. قدرت‌های غربی تاکنون از این ابزار برای انزوای ایران به نحو گسترده‌ای بهره گرفته‌اند. باینکه ایران به دلیل مزیت‌های استراتژیک ویژه‌اش از جمله برخورداری از منابع متنوع، دسترسی به آب‌های آزاد، و همجواری با بازارهای بزرگ مصرفی می‌توانست یکی از کانون‌های سرمایه‌گذاری و تجاری بزرگ جهان باشد، اما در عمل نتوانسته در حد مطلوبی از این پتانسیل‌های استفاده کند. آشکار است که تحریم‌های خارجی در این مسأله نقش مهمی داشته‌اند. تحریم‌هایی که با همکاری گسترده بین‌المللی مواجه بوده‌اند، طبیعتاً در منزوی‌سازی ایران کارا تر بوده‌اند. بر این مبناست که در جریان اوج‌گیری تحریم‌های بین‌المللی به علت فعالیت‌های هسته‌ای، ایران به نحو کم‌سابقه‌ای در انزوای بین‌المللی قرار گرفت. تحریم‌ها توان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات تجاری و مالی ایران را به نحو کم‌سابقه‌ای کاهش داد. حتی نفت خام که مهمترین کالای صادراتی ایران بود، به نحوی در مضیقه قرار گرفت که صادرات روزانه آن از حدود ۲,۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۱ به حدود ۱,۱ میلیون بشکه در اواسط سال ۲۰۱۳ تنزل کرد (Katzman, April 14, 2017: 55). به موازات آن، صادرات غیرنفتی کشور نیز آسیب دید. حتی شرایط تأمین نیازهای وارداتی نیز به دلیل محدودیت در ارتباطات بانکی مشکل گردید. گسست در روابط اقتصادی، روابط سیاسی با جهان خارج را تحت تأثیر قرار داد و شرایط دشواری برای دولت ایران فراهم کرد.

آسیب‌های انزوای بین‌المللی برای کشورها به ویژه در جهان کنونی بالاست. دولت منزوی نمی‌تواند از فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود در جهان خارج اعم از اقتصادی، امنیتی، علمی، و فنی به درستی استفاده کند. بنابراین، دولت‌های خواهان پیشرفت و توسعه نمی‌توانند در برابر واقعیت انزوا بی‌تفاوت باشند. علی‌الخصوص، بده-بستان سازنده با دولت‌های قدرتمند و پرنفوذ ضرورتی است که نمی‌توان اهمیت قابل اغماض نیست. ایران در دهه‌های گذشته چند بار کوشید از طریق توسعه همکاری با قدرت‌های شرقی و اعضای جنبش عدم تعهد با پروژه منزوی سازی ایران از سوی غرب مقابله کند. علی‌رغم دستاوردهایی که این سیاست داشت، نتوانست مشکلات اساسی ناشی از تحریم و انزوا را جبران کند. تحریم‌های فلج‌کننده در دوره مناقشه هسته‌ای در حالی برقرار شدند که دولت ایران از مدت‌ها پیش برای ایجاد روابط راهبردی با قدرت‌های شرقی و کشورهای در حال توسعه تلاش می‌کرد. در همان سال ۲۰۱۲، ایران میزبان شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد بود و به دنبال آن ریاست دوره‌ای جنبش از مصر به این کشور انتقال یافت. اما چنین فعالیت‌هایی مانع روند تحریم‌ها و تشدید انزوای ایران نشد.

#### ۴-۴. نارضایتی از دیپلماسی هسته‌ای کشور

بی‌تردید، هسته‌ای شدن به مفهوم استفاده صلح‌آمیز از ظرفیت‌های انرژی هسته‌ای در راه رفاه و امنیت ملی معمولاً از پشتیبانی مردمی گسترده‌ای برخوردار بوده است. اما این پشتیبانی به معنی آمادگی برای پذیرش هزینه‌های لجام‌گسخته نبوده است. دیپلماسی هسته‌ای ایران در دوره‌ای که سکان آن بر عهده تیم سعید جلیلی بود، به مسیرهای بسیار پرهزینه‌ای کشیده شد. درحالی‌که مذاکره ابزاری برای کاهش اختلاف و دستیابی به توافق است، در طول این دوره چندساله چنین هدفی تحقق پیدا نکرد. فضای عدم تفاهم به نحوی عمیق بود که بعضاً بین دو اجلاس بین ایران و گروه ۱+۵ دوره‌ای طولانی سپری می‌شد. در زمان اوج تحریم‌ها نیز انجام مذاکرات جدید به هیچ‌گشایشی در پرونده هسته‌ای ایران منجر نگردید. حتی در توافق بر سر مسایل کم‌اهمیتی مثل مکان مذاکرات نیز مشکل وجود داشت. در طول چند سال مذاکره، نه تنها حق غنی‌سازی اورانیوم در خاک ایران مورد پذیرش جامعه بین‌الملل قرار نگرفت، بلکه تدریجاً تحریم‌های سنگین‌تری علیه ایران اعمال می‌گردید. با تداوم روند تحریم‌های مخرب، جوی از ناامیدی و سردرگمی بر اقتصاد ایران حاکم شده

بود که آثار سوء آن در وضعیت معیشتی و رفاهی عموم مردم احساس می‌شد. این شرایط نه تنها دیپلماسی هسته‌ای بلکه بعضاً قضاوت افکار عمومی در مورد کلیت دیپلماسی کشور را تحت تأثیر قرار می‌داد.

محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای در ازاء کاهش تحریم‌ها خواسته‌ای بود که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ مطرح و در معرض رأی عموم گذاشته شد. در این انتخابات، حسن روحانی مهمترین کاندیدایی بود که ضمن انتقاد سخت از سیاست هسته‌ای جاری، مکرراً از ضرورت تعامل مسالمت‌جویانه با جهان به منظور رفع تحریم‌های بین‌المللی سخن گفت. وی بر آن بود که پیشرفت‌های هسته‌ای در صورتی مفید خواهند بود که با رشد و پیشرفت کشور در کلیه عرصه‌ها به ویژه نیازهای اقتصادی همراه باشد. این نیز فقط از راه مذاکره و تعامل مسالمت‌آمیز با جهان خارج از جمله غرب حاصل می‌شود، نه تنش و ستیز با آن. به عنوان نمونه، روحانی چند روز پیش از انتخابات ۱۳۹۲ طی مصاحبه‌ای در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این سؤال که خط‌مشی دولت‌ش در موضوع «حق هسته‌ای شدن ایران» چه خواهد بود، می‌گوید:

«حتماً حق هسته‌ای حق مسلم مردم ما هست، کما اینکه صدها حق دیگر حق مسلم مردم ما هست. توسعه کشور هم حق مسلم مردم ما هست؛ بهبود زندگی هم حق مسلم مردم ما هست؛ ایستادگی در برابر تحریم و رفع تحریم هم حق مسلم مردم ما هست؛ رابطه خوب با دنیا هم حق مسلم مردم ما هست؛ عزت و سربلندی کشور و مردم هم حق مسلم مردم ما هست. به همه حقوق مسلم کشور باید توجه کنیم و احترام بگذاریم و از جمله حق هسته‌ای که آن هم حق مسلم ماست. اما این هسته‌ای برای چیست؟ همانطور که شما گفتید، برای بمب که نیست. مقام معظم رهبری فرمودند که اساساً ما این را حرام می‌دانیم و دنبالش نخواهیم بود. پس هسته‌ای برای چه است؟ برای توسعه است؛ هسته‌ای برای عظمت کشور است. حواسمان باشد چگونه رفتار می‌کنیم. دولت من با کمترین هزینه این حق را تثبیت می‌کند و پیش می‌برد. مهم این است که چه مقدار هزینه برای چه کاری ما پرداخت کنیم... حق مسلم یعنی صلح‌آمیز بودن؛ یعنی دنیا بداند که چون اگر صلح‌آمیز بودن ثابت نشود، آن وقت آن حق از نظر بین‌المللی زیر سؤال قرار می‌گیرد. این در سال ۸۳ به اثبات رسید. برای اولین بار، شورای حکام در سال ۸۳ اعلام کرد به اتفاق آراء که فن‌آوری ایران و فعالیت ایران در مسیر صلح‌آمیز است... آنجایی که آمریکا بخواهد بیاید به منافع ما تجاوز کند و تنها ما شعار بدهیم، خیلی مردم خوشحال نمی‌شوند. مردم زمانی خوشحال

می شوند که ما نقشه آمریکا را نقش بر آب بکنیم. فن آوری هسته‌ای را ما حفظ می‌کنیم در کنار همه فن آوری‌ها. سانتریفوژ ما می‌چرخد در کنار چرخش کل کشور، کارخانه‌ها، صنعت، زندگی مردم، حیات مردم، نشاط مردم با کمترین هزینه. و این حتماً در دولت تدبیر و امید دنبال خواهد شد.» (روحانی، ۲۲ خرداد ۱۳۹۲).

با پایان انتخابات ۱۳۹۲ آشکار شد که دیپلماسی هسته‌ای جاری در کشور با تردیدهای گسترده‌ای مواجه است. در این انتخابات که با حضور سعید جلیلی به عنوان یکی از کاندیداهای رقیب همراه بود، مسأله هسته‌ای جاری به یکی از بحث‌های مناقشه‌انگیز میان رقبا تبدیل شد. در همان زمان، رسانه آمریکایی نیویورک تایمز طی تحلیلی در مورد انتخابات ریاست جمهوری ایران ادعا کرد که جلیلی ضمن دفاع از دیپلماسی هسته‌ای خویش و همچنین تأکید بر مقاومت به مثابه راه‌حل مشکلات، انتخابات را به یک رفراندوم بر سر سیاست هسته‌ای کشور تبدیل کرده است (Erdbrink, June 9, 2013). پیروزی روحانی در مقام یکی از منتقدان سرسخت دیپلماسی هسته‌ای جاری کشور در انتخابات حاوی این پیام بود که مردم در موضوع مذاکرات هسته‌ای خواهان گشایش‌های جدید برای برون‌رفت از معضل تحریم‌های در حال گسترش هستند. این رویداد، دولت ایران را در پیشبرد مذاکرات تا حصول نتیجه مصمم‌تر کرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

این مقاله تبعات اقتصادی-امنیتی تحریم‌های بین‌المللی در دوره مناقشه هسته‌ای بر ایران را مورد تحلیل قرار داد. در سال‌های بین ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳، مهمترین و جدی‌ترین خواسته قدرت‌های بزرگ توقف بخش‌هایی از برنامه‌های هسته‌ای ایران بود. مقاومت چندساله ایران در برابر تحریم‌ها با این استدلال صورت می‌گرفت که برخورداری از صنعت هسته‌ای تصمیمی است که در چارچوب استقلال کشور اتخاذ شده و فشار قدرت‌های خارجی با هدف مخدوش‌سازی استقلال و امنیت ایران صورت می‌گیرد. تدریجاً، گستره و عمق تحریم‌ها تا جایی فرارفتند که کشور از زوایای دیگری با تهدید امنیتی جدی مواجه گردید. تحریم‌های فلج‌کننده‌ای که از سوی آمریکا و اروپا برقرار شد، بنیان‌های استراتژیک اقتصاد ملی ایران شامل بخش انرژی و ارتباطات بانکی و تجاری فراملی را هدف قرار دادند.

تحریم‌ها در عمل به تعمیق کم‌سابقه رکود تورمی ایران در اوایل دهه ۱۳۹۰ منجر شدند. در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱، رشد اقتصادی کشور به قیمت‌های پایه و ثابت سال ۱۳۸۳ به ترتیب ۶,۸- و ۱,۹- درصد و نرخ بیکاری نیز به ترتیب ۱۲,۱۳ و ۱۰,۴۴ درصد گزارش شد. در این دوره دوساله همچنین نرخ تورم مصرف‌کننده از ۳۰,۵ به ۳۴,۷ درصد و نرخ تورم تولیدکننده از ۳۲,۴ به ۳۴,۵ درصد افزایش یافتند. نااطمینانی نسبت به آینده در سایه تحریم‌ها عاملی بود که به نحو قابل توجهی در رشد سریع تقاضای سفته‌بازانه و تشدید مشکلات نقش داشت. تحریم‌ها همچنین به سلامت اقتصادی کشور ضربه سنگینی وارد آوردند. یکی از منابع مهم در این زمینه گزارش‌های سازمان بین‌المللی شفافیت است. در سال ۲۰۰۳، رتبه ایران از نظر شاخص ادراک فساد در جهان ۷۸ بود. طی چند سال بعد، اوضاع به شدت تغییر کرد تا جایی که ایران در سال ۲۰۰۹ حایز رتبه ۱۶۸ جهان گردید. در دو سال بعد، وضعیت ادراک فساد ایران با تغییر نزولی به رتبه ۱۴۶ در ۲۰۱۰ و ۱۲۰ در ۲۰۱۱ مقداری بهبود یافت. اما سپس در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به ترتیب با تغییر رتبه‌ها به ۱۳۳ و ۱۴۴ سیر صعودی پیدا کرد. در کنار اینها، در جریان اوج‌گیری تحریم‌ها، ایران به نحو کم‌سابقه‌ای در انزوای بین‌المللی قرار گرفت. تحریم‌ها توان جذب سرمایه‌گذاری خارجی و مبادلات تجاری و مالی ایران را به نحو کم‌سابقه‌ای کاهش داد. حتی نفت خام که مهمترین کالای صادراتی ایران بود، به نحوی در مضیقه قرار گرفت که صادرات روزانه آن از حدود ۲,۵ میلیون بشکه در سال ۲۰۱۱ به حدود ۱,۱ میلیون بشکه در اواسط سال ۲۰۱۳ تنزل کرد.

این شرایط موجب تغییر در انتخاب دیپلماسی ایران شد. مذاکرات بی‌نتیجه و فقدان گشایش در پرونده هسته‌ای مسأله‌ای بود که نارضایتی عمومی از وضع موجود را به دنبال داشت. محدودسازی فعالیت‌های هسته‌ای در ازاء کاهش تحریم‌ها خواسته‌ای بود که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ مطرح و در معرض رأی عموم گذاشته شد. در این انتخابات، کاندیدایی با اقبال اکثریت مواجه شد که ضمن انتقاد سخت از سیاست هسته‌ای جاری، مکرراً از ضرورت تعامل مسالمت‌جویانه با جهان به منظور رفع تحریم‌های بین‌المللی دفاع کرد و بر آن بود که پیشرفت‌های هسته‌ای در صورتی مفید خواهند بود که با رشد و پیشرفت کشور در کلیه عرصه‌ها به ویژه نیازهای اقتصادی همراه باشند. این نیز فقط از راه مذاکره و تعامل فعالانه با جهان خارج از جمله غرب حاصل می‌شود. به این ترتیب، مسیر جدیدی در پروژه هسته‌ای ایران باز شد؛ مسیری که می‌خواست ضمن حفظ حد مقبولی از دستاوردها،

گشایشی در روابط خارجی کشور ایجاد کند تا اقتصاد و امنیت ملی کشور را از گزند تهدیدات مخرب تحریم دور سازد.

### کتابنامه

- بانک داده‌های اقتصادی و مالی (۱۳۹۵). «اقتصاد کشور در یک نگاه» *بانک داده‌های اقتصادی و مالی*، زیر نظر دفتر مدلسازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، به دست آمده در ۲۱ خرداد ۱۳۹۶ از: <http://databank.mefa.ir/Default.aspx>
- روحانی، حسن (۲۲ خرداد ۱۳۹۲). مشروح گفتگوی حسن روحانی در برنامه «به انتخاب شما» در شبکه سه سیمای جمهوری اسلامی ایران، *وبسایت حسن روحانی*، بخش رویدادها، به دست آمده در ۲ تیر ۱۳۹۶ از: [http://rouhani.ir/event.php?event\\_id=86](http://rouhani.ir/event.php?event_id=86)
- قنبرلو، عبدالله (تابستان ۱۳۹۱). «چشم‌انداز امنیت ایران در سایه تحریم‌های بین‌المللی؛ با تأکید بر عوارض امنیتی تحریم صنایع نفت و گاز» *ایران آینده*، سال ۱، ش. ۱، ۸۸-۱۱۵.
- منکیو، گریگوری ن. (۱۳۸۳). *اقتصاد کلان*، ترجمه حمیدرضا برادران شرکاء و علی پارسائیان، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

Arms Control Association (August 6, 2015) "UN Security Council Resolutions on Iran" *Arms Control Association*, Retrieved May 15, 2017, from: [www.armscontrol.org/factsheets/Security-Council-Resolutions-on-Iran](http://www.armscontrol.org/factsheets/Security-Council-Resolutions-on-Iran).

Eisenstadt, Michael (November 2015) "The Strategic Culture of the Islamic Republic of Iran: Religion, Expediency, and Soft Power in an Era of Disruptive Change" *MES Monographs*, No. 7, Retrieved June 12, 2017, from: [www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/MESM\\_7\\_Eisenstadt.pdf](http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/pubs/MESM_7_Eisenstadt.pdf).

Elliott, Kimberly Ann (2005) "Trends in Economic Sanctions Policy: Challenges to Conventional Wisdom" Peter Wallensteen and Carina Staibano, eds., *International Sanctions: Between Words and Wars in the Global System*, London & New York: Routledge.

Erdbrink, Thomas (June 9, 2013) "In Iran Race, All 8 Candidates Toe Hard Line on Nuclear Might" *The New York Times*, Retrieved June 23, 2017, from: [www.nytimes.com/2013/06/10/world/middleeast/iran-candidates-toe-hard-line-for-nuclear-bid.html](http://www.nytimes.com/2013/06/10/world/middleeast/iran-candidates-toe-hard-line-for-nuclear-bid.html)



- Esfandiary, Dina (December 2013) "Assessing the European Union's Sanctions Policy: Iran as a Case Study" *EU Non-Proliferation Consortium, Non-Proliferation Papers*, No. 34, Retrieved June 7, 2017, from: [www.nonproliferation.eu/web/documents/nonproliferationpapers/dinaesfandiary52b41ff5cbaf6.pdf](http://www.nonproliferation.eu/web/documents/nonproliferationpapers/dinaesfandiary52b41ff5cbaf6.pdf).
- Katzman, Kenneth (April 14, 2017) "Iran Sanctions" *Congressional Research Service Report*, Retrieved April 21, 2017, from: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>.
- Lacy, Dean and Emerson M. S. Niou (February 2004) "A Theory of Economic Sanctions and Issue Linkage: The Roles of Preferences, Information, and Threats" *The Journal of Politics*, Vol. 66, No. 1, 25-42.
- Obama, Barack H. (December 7, 2013) "Remarks by the President in a Conversation with the Saban Forum" *The White House, President Barack Obama*, Retrieved June 3, 2017, from: <https://obamawhitehouse.archives.gov/the-press-office/2013/12/07/remarks-president-conversation-saban-forum>.
- Patterson, Ruairi (Spring 2013) "EU Sanctions on Iran: The European Political Context" *Middle East Policy*, Vol. 20, No. 1, 135-146.
- Samore, Gary *et al* (June 2015) "Sanctions Against Iran: A Guide to Targets, Terms, and Timetables" *Belfer Center for Science and International Affairs*, Harvard Kennedy School, Retrieved September 5, 2016, from: [www.belfercenter.org/sites/default/files/legacy/files/Iran%20Sanctions.pdf](http://www.belfercenter.org/sites/default/files/legacy/files/Iran%20Sanctions.pdf).
- Transparency International (2016) "Corruption Perceptions Index: Early Editions" *Transparency International - The Global Anti-Corruption Coalition*, Retrieved June 19, 2017, from: [www.transparency.org/research/cpi/cpi\\_early](http://www.transparency.org/research/cpi/cpi_early).